

تحلیل الگوی استقراری شهرستان سمیرم در دوره انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی

دکتر حسن کریمیان

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

Hkarimian@ut.ac.ir

دکتر محسن جاوری

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان.

مهدی منتظر ظهور

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت

(از ص ۶۳ تا ۸۰)

چکیده

شهرستان سمیرم با مساحتی حدود ۵۲۲۴ کیلومتر مربع در جنوب استان اصفهان در دامنه‌های ارتفاعات زاگرس قرار گرفته که به تبع آن از منابع آبی سرشار و پوشش گیاهی مناسبی برخوردار بوده و جایگاه مناسبی برای استقرار انسان از آغاز تا روزگار حاضر فراهم ساخته است. در بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان سمیرم مجموعاً ۴۹ محوطه باستانی از ادوار پیش از تاریخ تا دوران اسلامی شناسایی گردیده‌اند. از این میان، ۳۰ محوطه شناسایی شده به روزگار ساسانیان و قرون اولیه اسلامی تعلق داشت که رشد و رونق چشم‌گیر استقرارها را به لحاظ کمی و کیفی نسبت به دوره‌های قبل به‌نمایش می‌گذارد. با توجه به این که یکی از مباحث جدید در راستای تحلیل تحولات فرهنگی جوامع در دوران مختلف و هم‌چنین دوران انتقالی، در باستان‌شناسی نوین استفاده از تکنیک‌های آماری است، نگارندگان سعی داشتند تا با به‌کارگیری تکنیک آماری سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تا حدودی به درک تحولات واقع شده در دوران گذر از ساسانیان به قرون نخستین اسلامی در این منطقه جغرافیایی دست‌یابند. به‌منظور ارزیابی تحولات استقرارهای مورد مطالعه در دوران انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی، متغیرهایی نظیر فاصله آن‌ها از رودهای دایمی، شبکه‌های ارتباطی کهن، روستاهای موجود و نیز کد ارتفاعی، کاربری اراضی، پوشش گیاهی و سایر پارامترهای که در شکل‌گیری این محوطه‌ها نقش موثر داشته‌اند، تعریف و تمامی داده‌های ثبت شده تحلیل گردیدند. توزیع مکانی آثار مکشوفه (بر اساس سیستم جغرافیایی GIS) روشن ساخت که بیشتر محوطه‌های استقراری در بخش شمالی و مرکزی این شهرستان واقع شده‌اند که از پراکنش یک‌نواختی برخوردار است. آنالیز داده‌های میدانی هم‌چنین روشن ساخت که محوطه‌های مکشوفه از لحاظ کمی و کیفی در دوره ساسانی و متعاقباً دوره اسلامی دچار تغییرات چشم‌گیری نشده‌اند و دگرگونی‌هایی که بر تاریخ سیاسی - اجتماعی کشورمان عارض گردیده تأثیر چندانی بر روند زندگی ساکنان دشت سمیرم نداشته است.

کلید واژگان:

ساسانیان، قرون اولیه اسلامی، سمیرم، بررسی‌های باستان‌شناختی. تحلیل الگوی استقراری

مقدمه

یکی از مباحث و شیوه‌های جدید در راستای شناخت تغییرات باستان‌شناسی در حوزه‌های فرهنگی مختلف به‌ویژه شناخت نرخ تغییرات فرهنگی و اجتماعی جوامع در دوران انتقال از یک دوره فرهنگی به دوره دیگر؛ بهره‌گیری از آگاهی‌های بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه و قرار دادن داده‌های باستان‌شناختی حاصل از این بررسی‌ها، در بومه‌ی آزمایش سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و پایش داده‌های فرهنگی به‌لحاظ آماری است. غنای فرهنگی شهرستان سمیرم که طی بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه محرز گردیده، بستر مناسبی برای این قسم از پژوهش‌های باستان‌شناختی به‌وجود آورده است و نگارندگان بر آنند تا اندازه‌ای به این شناخت دست‌یابند.

حوزه فرهنگی شهرستان سمیرم در جنوب استان اصفهان یا به عبارتی جنوب فلات مرکزی ایران واقع شده است. موقعیت جغرافیایی این خطه فرهنگی به‌گونه‌ای است که در میان چند حوزه فرهنگی - جغرافیایی کشورمان یعنی مناطق جنوبی استان اصفهان، مناطق شمالی استان‌های فارس، کهگیلویه و بویر احمد و مناطق غربی استان چهارمحال و بختیاری قرار گرفته است. از این رو اطلاعات باستان‌شناسی این منطقه برای درک بهتر روابط فرهنگ‌های سه حوزه فلات مرکزی، جنوب غرب و غرب ایران بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. اطلاعات باستان‌شناسی این منطقه می‌تواند آگاهی‌های ارزش‌مندی در جهت روشن شدن تغییر و تحولات باستان‌شناختی و همچنین برهم‌کنش‌های حوزه‌های فرهنگی - جغرافیایی مناطق فوق‌الذکر در اختیار قرار دهد. باید اذعان داشت با توجه به مرتفع شدن جایگاه این منطقه در دوران ساسانیان و متعاقباً قرون اولیه اسلامی، ضرورت شناخت نرخ تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی منطقه در این بازه زمانی دو چندان می‌گردد. مطالعه محوطه‌های باستانی، بررسی و واکاوی مواد فرهنگی و نیز تحلیل الگوی استقرار با توجه به فهم و درک تغییر و تحولات آن‌ها در این منطقه، می‌تواند دامنه آگاهی ما را از ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین تغییرات کمی و کیفی در دوران انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی، بالا ببرد.

نحوه شکل‌گیری و پراکنش استقرارها، عوامل موثر در الگوی استقرارها و تغییر این الگو در فرایند گذار آن‌ها از دوره‌ای به دوره دیگر (ساسانیان به قرون نخست اسلامی)، از سوالاتی است که این پژوهش، با بررسی‌های باستان‌شناسی و به‌کارگیری تکنیک‌های سیستم جغرافیایی GIS در میدان باستان‌شناسی در تکاپوی پاسخ‌گویی به آن‌هاست. پتانسیل‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه و همچنین داده‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی نشان از آن دارد که این خطه فرهنگی در اکثر دوران مورد استفاده جوامع انسانی بوده و این روند استقرار در دوره‌های ساسانی و قرون نخستین اسلامی با توجه به حجم داده‌های فرهنگی مشهودتر است. از طرفی حیات فرهنگی منطقه بعد از فرایند گذار از ساسانیان به قرون نخستین اسلامی همچنان با تغییرات نامحسوسی تداوم داشته است. روش تحقیق مقاله حاضر با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی باستان‌شناسی و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی، برای دستیابی به الگوی استقرار منطقه در بازه زمانی مورد مطالعه پی‌ریزی شده است. باید یاد آور شد اطلاعات حاصل از این پژوهش نمی‌تواند

خالی از خلل باشد و برای صحت و قطعیت یافتن از آن‌ها باید در انتظار بررسی‌های فشرده و مطالعات گسترده میدانی آینده باشیم.

وضعیت و موقعیت جغرافیایی سیاسی و طبیعی شهرستان سمیرم

شهرستان سمیرم با مساحتی حدود ۵۲۲۴ کیلومتر مربع با مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۳ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی و با ارتفاع متوسط ۲۴۰۰ متر از دریا در جنوب استان اصفهان و در فاصله ۱۶۰ کیلومتری از مرکز استان در دامنه‌های ارتفاعات زاگرس قرار گرفته است (جعفری، ۱۳۷۹: ۷۱۸) (نقشه ۱). هر چند در تقسیمات امروزی کشور این شهرستان جزء استان اصفهان محسوب می‌گردد ولی شواهد مستند، حاکی از آن است که این خطه پیش از این تحت لوای حکومت فارس قرار داشته است. با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان اذعان داشت در هیچ یک از متون دوران تاریخی از دوران هخامنشی تا دوران ساسانی نامی از این منطقه برده نشده است. اما مورخان و جغرافیدانان دوران اسلامی از قرن اول تا چهارم هجری مانند: ابن رسته (ابن رسته، ۱۳۵۶: ۱۲۲) ابن خردادبه (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۵) اصطخری (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۲۲) ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۱) جیهانی (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۱) و کتاب حدود العالم (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۷۵) این منطقه را جزء استان فارس و تحت قیومیت ایالت اردشیر خوره معرفی کرده‌اند. در این برهه زمانی تنها مقدسی در قرن چهارم هجری سمیرم را جزء قصبه‌های یهودیه اصفهان برشمرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۷۹).

در قرون میانی اسلامی (قرن ۵ تا ۱۰ هجری) نیز مورخان و جغرافیدانان (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۶۰؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۴۷۴؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۳) سمیرم را جزء استان فارس به‌شمار آورده و ابن بلخی و حافظ ابرو سمیرم را جز ایالت استخر استان فارس می‌دانند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۳۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۰۶). مورخان و جغرافیدانان دوران متاخر اسلامی، نیز بیشتر آن را جزء استان فارس دانسته‌اند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۰۴؛ حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۳۵۸؛ الاصفهانی، ۱۳۴۰: ۳۱۸؛ جناب و شاردن، ۱۳۷۶: ۱۲۶). سمیرم تا سال ۱۳۲۴ جزء استان فارس بوده و از آن سال از استان فارس جدا و به‌صورت بخش به استان اصفهان ملحق می‌گردد و سرانجام در مهرماه ۱۳۴۲ با مسافرت اسداله علم نخست وزیر وقت به شهرستان تبدیل و به دو بخش مرکزی و پادنا تقسیم می‌گردد. این شهرستان در حال حاضر دارای ۲ بخش مرکزی و پادنا، ۴ شهر «سمیرم، خنا، ونک و گمه» و دهستان‌های «وردشت، بیده و چهار راه» است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۰).

شهرستان سمیرم با دارا بودن آب و هوای کوهستانی با زمستان‌های پربرف و تابستان‌های معتدل و خنک و شرایط ایجاد مراتع مرغوب گسترده، دشت‌های مستعد کشاورزی (برای سکونت بیلاق دام‌داران کوچ‌نشین و کشاورزان فصلی) می‌توانسته شرایط مناسبی برای استقرارهای دایم و موقت (کوچ‌نشینی) در دوره‌های مختلف را به‌وجود آورد. موقعیت این شهرستان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباطی اقتصادی-سیاسی و انتقال فرهنگ‌ها در میان حوزه‌های فرهنگی گوناگون، بیان‌گر اهمیت نقش این منطقه در دوران گذشته است. شهرستان سمیرم از طریق راه‌های باستانی خسروشیرین و تنگه‌بیژن، با استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد و از طریق راه‌های شهرضا «قمشه» و بروجن با مناطق دیگر استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری در ارتباط است (شفقی، ۱۳۵۳: ۷۴).

جغرافیایی طبیعی شهرستان سمیرم از سه بخش ارتفاعات کوهستانی، تپه ماهورها و کوهپایه‌ها و دشت‌ها تشکیل شده است. شهرستان سمیرم در منطقه کوهستانی واقع شده که میانگین میزان منحنی ارتفاع آن ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر از سطح دریا است (نیساری، ۱۳۵۰: ۳۷). این ارتفاعات که اکثراً متعلق به سنگ‌های آهکی دوران سوم زمین‌شناسی می‌باشند و از نظر مورفولوژی روند عمومی شمال غرب-جنوب شرق دارند. ارتفاعات کوهستانی شهرستان سمیرم در دو گروه قابل مطالعه هستند؛ گروه اول، ارتفاعات جنوب و جنوب غربی شهرستان که شامل سلسله جبال دینار است که مرتفع‌ترین قله آن دنا دارای ۴۴۴۴ متر ارتفاع از سطح دریاست و به علت شرایط آب و هوایی خاص همیشه پوشیده از برف است (بیات، ۱۳۸۳: ۱۰۸). و گروه دوم ارتفاعات شمالی و مرکزی است که می‌توان از کوه‌های پرنرمه، علی‌جوق، قره‌داغ و چشمه‌خونی نام برد (فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، ۱۳۷۹: ۹۱).

دامنه ارتفاعات منطقه سمیرم را بیشتر تپه ماهورها و کوهپایه‌هایی با ارتفاع متوسط و به‌طور پراکنده فرا گرفته که اکثراً از رسوبات واریزه‌های فرسایش یافته تشکیل شده‌اند. به‌طور کلی دشت‌ها را رسوبات دوران چهارم و تراس‌های آبرفتی، واریزه‌های درشت دانه، رسوبات مخروطه افکنه، سیلاب‌ها و رسوبات رودخانه‌های با دانه‌بندی‌های مختلف به‌وجود آورده‌اند. ضخامت آبرفت در این دشت‌ها کم و از نظر آب‌های زیرزمینی در بعضی نقاط این دشت‌ها به‌علت قرار گرفتن در دامنه ناودیس‌ها، سنگ کف آن‌ها بالا بوده و سفره‌های سطحی قابل توجهی را به‌وجود آورده‌اند. اکثراً در این منطقه رویش‌های گیاهی به‌صورت مرغزار درآمده که محل مناسبی برای چرای احشام می‌باشند (فرجی، ۱۳۶۶: ۳۲۲). حداکثر بارندگی سالانه در ارتفاعات شمالی به‌میزان ۴۵۰ میلیمتر و حداقل در نقاط پست شرقی به‌میزان ۲۹۰ میلیمتر می‌باشد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۲۱). منابع آب شهرستان سمیرم که در حقیقت از سرشاخه‌های اصلی رودخانه کارون در استان خوزستان می‌باشد، به مدت زمان و مقدار بارش نزولات جوی «باران و برف» بستگی دارد. منابع آب این شهرستان به دو صورت آب‌های سطحی و زیرزمین می‌باشد. منابع آب سطحی شهرستان سمیرم شامل مقدار زیادی جریان‌های آبی موقت «فصلی» و جریان‌های دائمی است که با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه و نحوه تغذیه حوضه‌های آبی آن شامل رودخانه‌های حسین‌آباد، گندمان، شمس‌آباد، ونک، حنا، سمیرم و ماربر می‌باشد که میزان آب‌های برداشتی سالیانه جریان‌های سطحی ۲۷۲ میلیون متر مکعب برآورد می‌گردد (نیساری، ۱۳۵۰: ۱۳۰). این شهرستان از لحاظ جغرافیای گیاهی جزء استپی با پوشش عمومی «درمنه و گون» است. تراکم جنگل‌ها در این شهرستان بسیار کم و بیشتر به‌صورت مراتع است. حدود ۷۶ درصد از وسعت این شهرستان را مراتع تشکیل می‌دهد که از مجموع وسعت آن‌ها حدود ۳۹۰۰۰۰ هکتار در قالب مراتع درجه ۱، ۵۹۰۰۰۰ هکتار درجه ۲ و بقیه در قالب مراتع فقیر طبقه‌بندی می‌گردد. زراعت دیم، بهره‌برداری و چرای بی‌موقع از مهم‌ترین عواملی است که مراتع این شهرستان را تخریب نموده و به این مراتع صدمه وارد ساخته است (شفقی، ۱۳۵۳: ۱۳۰).

پیشینه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناختی منطقه

هر چند اهمیت فرهنگی این حوزه در مطالعات باستان‌شناختی ایران واضح و مبرهن است ولی متأسفانه تاکنون اقدامات درخور توجهی در راستای مطالعه گسترده

آن نشده است. مطالعات باستان‌شناسی این منطقه را می‌توان در دو دوره جستجو کرد. دور اول مطالعات باستان‌شناسی این منطقه توسط پروفیسور واندنبرگ در سال ۱۳۴۱، زمانی که اقدام به بررسی باستان‌شناختی مناطق شمال و غرب استان فارس کرد، انجام شد. پروفیسور واندنبرگ در نامه مورخ ۲ دی ماه ۱۳۴۱ نتایجی را که از مسافرت خود در منطقه‌ی سمیرم به‌دست آورده به‌شرح زیر یاد نموده‌است:

- ۱- اطلاع بر وجود نیایشگاه مهم و معتبری از دوره ساسانیان با نوشته پهلوی در چشمه‌ناز «تنگ جلو».
- ۲- بازدید از ۵ عدد میل سنگی ساسانی در اطراف سمیرم.
- ۳- بررسی و مطالعه‌ی تل‌های وزیری و شاهی در روستای کومه و اقدام به گمانه‌زنی در تل‌وزیری.
- ۴- بررسی و مطالعه‌ی قلعه‌سنگی «دش قلعه‌سی» (مصطفوی ۱۳۴۳).

دور دوم این مطالعات در دو فاز تکمیلی بررسی باستان‌شناختی در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۶ به سرپرستی محسن جاوری و بابر نره‌ای انجام پذیرفت که به شناسایی محوطه‌های از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی انجامید (جاوری ۱۳۷۸) (نره‌ای ۱۳۸۶).

نتایج حاصل از بررسی‌های باستان‌شناختی

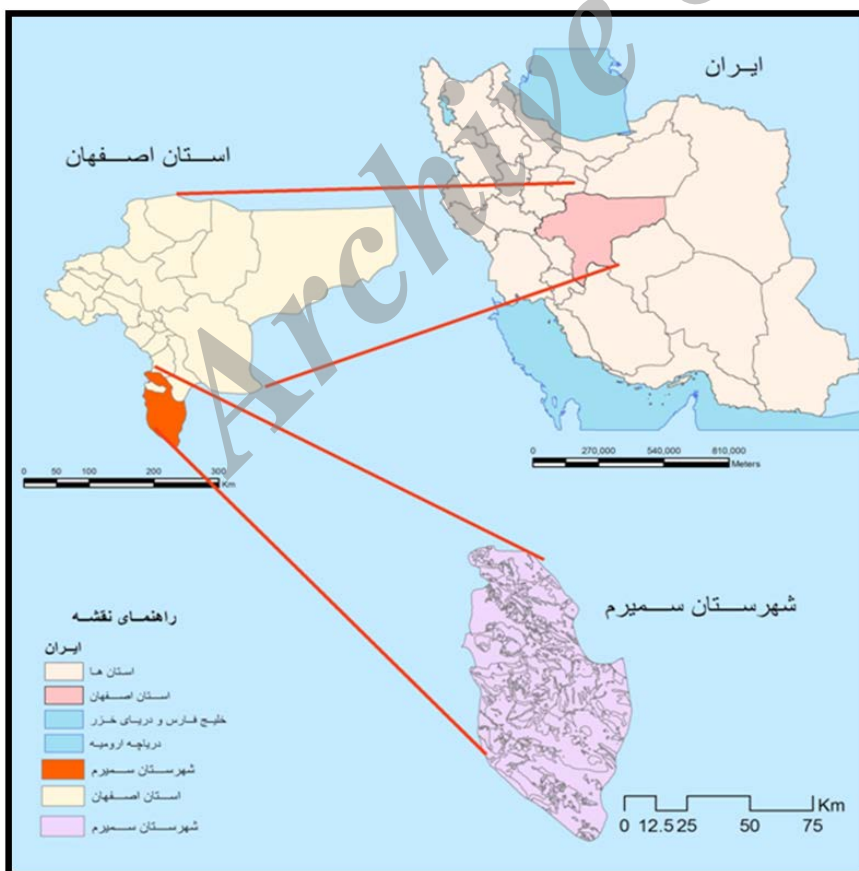
بررسی باستان‌شناسی شهرستان سمیرم، با هدف شناسایی و ثبت محوطه‌های باستانی و آثار تاریخی آن و تهیه نقشه باستان‌شناسی شهرستان با توجه غنای فرهنگی و زیست‌محیطی و همچنین مطالعه‌ی الگوهای استقرار دوره‌های مختلف محوطه‌ها، با حمایت سازمان میراث فرهنگی انجام شد. ابتدا قبل از شروع بررسی میدانی، منابع باستان‌شناسی موجود در مورد منطقه مطالعه و سپس با تهیه نقشه ۱:۵۰۰۰۰ از منطقه وضعیت محیطی و جغرافیایی منطقه مورد بررسی قرار گرفت. حاصل این بررسی‌های میدانی، شناسایی ۴۹ محوطه‌ی باستانی در این شهرستان بود که شامل تپه‌ها، محوطه‌ها، غارها، قلعه‌ها و آثار و بناهای باستانی می‌شوند. با توجه به مطالعه بر روی داده‌های فرهنگی به‌ویژه داده‌های سفالی به‌دست آمده از بررسی، معلوم گردید، آثار شناسایی شده متعلق به ادوار پیش از تاریخ (هزاره چهارم ق.م)، هخامنشی، ساسانی و اسلامی هستند (جاوری ۱۳۷۸). مطالعات صورت گرفته بر روی داده‌های فرهنگی نشان می‌دهد، در دوره ساسانی و گذر به قرون اولیه اسلامی با افزایش چشم‌گیر محوطه‌ها روبه‌رو هستیم. تعداد این محوطه‌ها در مقایسه با محوطه‌های پیش از تاریخی و دوران قبل ساسانی شهرستان سمیرم افزایش محسوسی داشته، به‌طوری که از ۴۹ محوطه شناسایی شده ۳۰ محوطه را به‌خود اختصاص داده است (نره‌ای ۱۳۸۶). البته نباید شباهت سفال‌های دوره ساسانی با سفال‌های چند قرن اول اسلامی را از نظر دور داشت. با توجه به گاهنگاری نسبی و مقایسه‌های سفال‌های اسلامی، محوطه‌های اسلامی شهرستان سمیرم مشخص گردید، بیشترین استقرارهای آن مربوط به قرون اولیه ۴-۱ هجری است (منتظرظهوری، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۵).

این آمار کمی، نشان از آن دارد که منطقه سمیرم در دوران ساسانیان و قرون نخستین اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و سهم بیشتری در مناسبات سیاسی منطقه داشته است. شناسایی آثار ارزنده‌ای مانند پناهگاه زیر زمینی تپه‌مژدر (جاوری ۱۳۸۳) (جاوری و منتظرظهوری ۱۳۹۱)، میل‌های سنگی، استودان و همچنین وجود کتیبه‌های پهلوی ساسانی «چشمه‌ناز» خبر از غنای این حوزه فرهنگی در اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلام دارد (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۵؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۰۲-۱۰۶؛ Gropp, 1970 : 200؛ نصرالله‌زاده و جاوری، ۱۳۸۲: ۷۳). این مدعا را می‌توان با گفته‌های منابع تاریخی که این خطه را تحت قیومیت استان

فارس که کانون سیاسی و مذهبی ساسانیان معرفی کرده‌اند، توجیه پذیر نمود.

بحث

برای تفسیر و تحلیل الگوی استقرار محوطه‌های باستانی شهرستان سمیرم و همچنین آگاهی یافتن از تغییر و تحولات آن در دوران انتقال از ساسانیان به قرون اولیه لازم است چندین متغیر برای ارزیابی وضعیت و موقعیت استقرارها مدنظر قرار گیرد. برای دست یافتن به این مهم ابتدا باید محوطه‌ها را به لحاظ پراکنش مکانی و زمانی مورد مطالعه باستان‌شناختی قرار داد. باید اذعان داشت متغیرهای که در رابطه با مکان‌گزینی استقرارها در دوران گذشته مهم به‌نظر می‌آیند، در روند مطالعاتی کنونی ما بر روی این استقرارها نیز موثرند. گروه اول این متغیرها، شامل متغیرهای محیطی هستند که در منظر جغرافیایی این محوطه‌ها نقش مهمی دارند و عبارتند از: فاصله از رودخانه‌ها، ارتفاع از سطح دریا، کاربری اراضی و پوشش گیاهی. دسته دیگر شامل متغیرهای هستند که از دیدگاه باستان‌شناختی محوطه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند که شامل فاصله از راه‌ها و روستاها و در نهایت وسعت محوطه‌ها است. برای نیل به این اهداف و برای درک بهتر الگوی استقرار محوطه‌ها از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS استفاده می‌گردد. در این روش ابتدا تمام داده‌های محوطه‌های شناسایی شده مورد مطالعه قرار گرفت و بعد از ارایه نقاط مختصات جغرافیایی محوطه‌ها (GPS) به سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS و پردازش داده‌ها، خروجی داده‌ها تحت مطالعه آماری واقع گردید. مطالعات باستان‌شناسانه بر روی داده‌های اطلاعاتی پردازش شده، گویایی شرح تعیین الگوی استقرار محوطه‌ها و نیز تغییر و تحولات آن‌ها در دوران انتقال از



نقشه شماره ۱: موقعیت شهرستان سمیرم (منتظر ظهوری ۱۳۹۰).

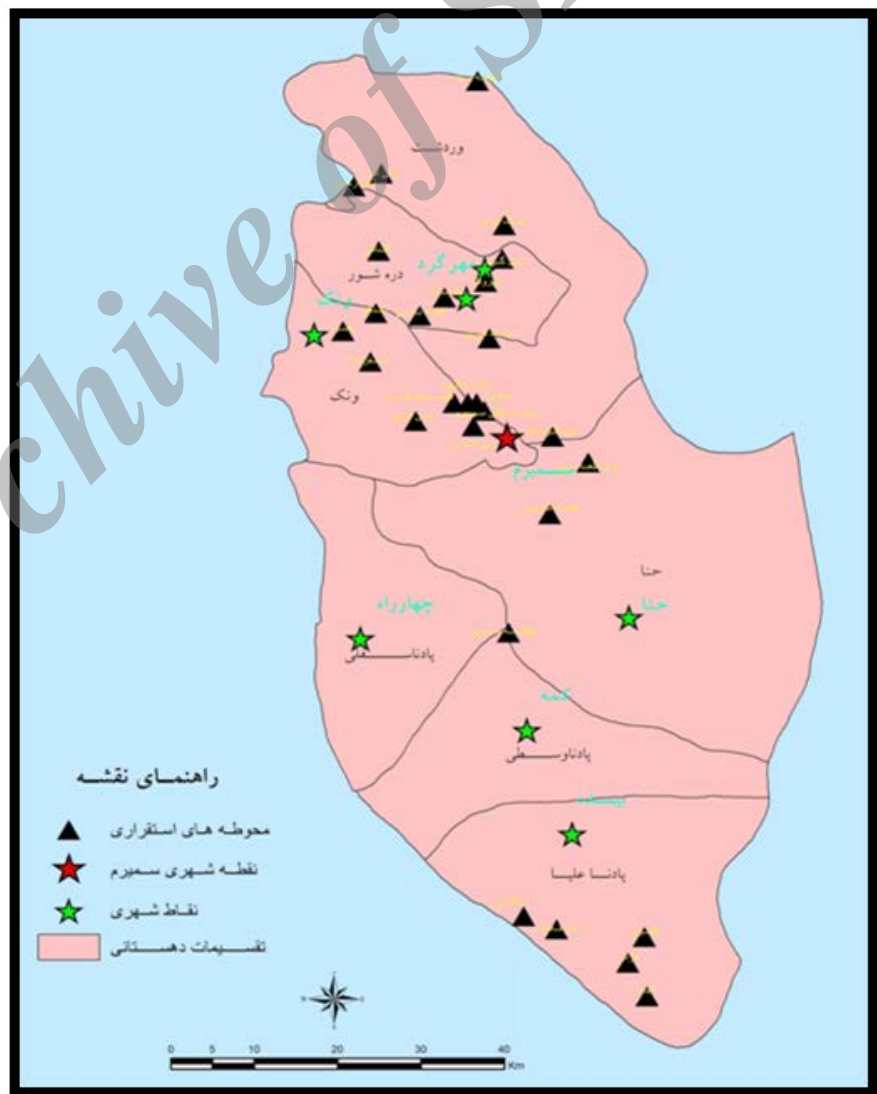
۶۸ نامی باستانی

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

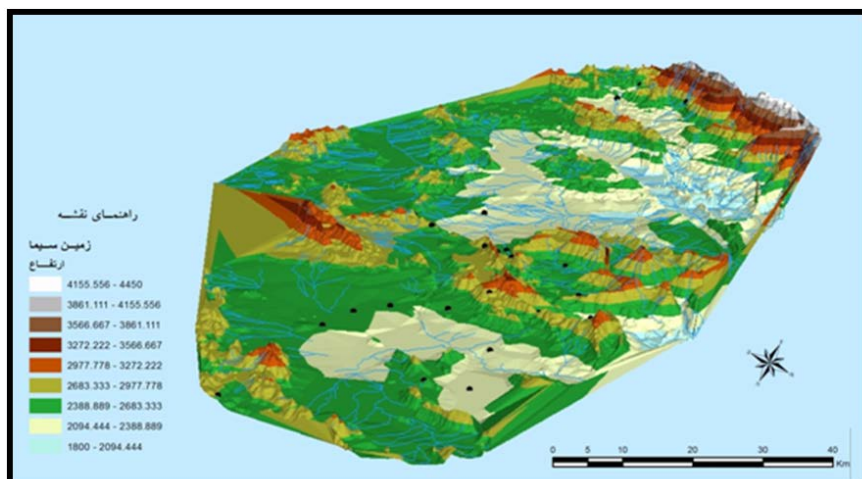
ساسانیان به قرون نخستین اسلامی است که در ادامه این مقال به آن‌ها خواهیم پرداخت.

الگوی پراکنش زمانی و مکانی استقرارها

چنانچه ذکر شد طی بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان سمیرم ۴۹ محوطه باستانی از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی شناسایی گردید که از این میان ۳۰ محوطه به دوران ساسانی و قرون نخستین اسلامی تعلق دارد. در یک تقسیم‌بندی معلوم گردید از این ۳۰ محوطه استقرار با توجه به تقسیمات دهستانی، ۵ محوطه در دهستان وردشت، ۵ محوطه در دهستان دره شور، ۹ محوطه در دهستان ونک، ۵ محوطه در دهستان حنا و ۶ محوطه در دهستان پادنا علیا قرار دارد که در شهرهای مهرگرد، ونک، سمیرم، حنا و بیده قرار گرفته‌اند. با مطالعه نحوه پراکنش محوطه‌ها در پهنه شهرستان سمیرم در می‌یابیم، بیشتر پراکنش محوطه‌ها در منطقه شمالی و مرکزی شهرستان قرار داشته و تنها ۵ محوطه در بخش جنوبی شهرستان قرار گرفته است (منتظرظهوری، ۱۳۹۰: ۷۱) (نقشه ۲ و ۳).
مطالعات باستان‌شناختی مشخص ساخت، از ۳۰ محوطه مذکور ۲۱ محوطه مربوط به دوره ساسانی بوده که از این ۲۱ محوطه در ۱۲ مورد از آن‌ها تداوم



نقشه شماره ۲: توزیع مکانی محوطه‌های استقرار (منتظرظهوری ۱۳۹۰).



نقشه شماره ۳: چشم انداز نحوه توزیع محوطه‌های استقرار (منتظر ظهوری ۱۳۹۰).

استقرار تا قرون نخستین اسلامی را شاهد هستیم که داده‌های فرهنگی گویایی این مطلب است و تنها ۹ محوطه فقط دارای آثار ساسانی صرف (تک استقرار) است. تداوم داده‌های فرهنگی در این محوطه‌ها ما را در تعیین الگوی استقراری و نحوه پراکنش محوطه‌های استقراری در دوره گذر از دوران ساسانی به قرون اولیه کمک می‌کند. بقیه محوطه‌ها یعنی ۹ محوطه دیگر به قرون اولیه اسلامی تعلق دارد (نقشه ۴)، (نمودار ۱).

متغیرهای محیطی و باستان‌شناختی

۱- فاصله از رودخانه‌ها: آب همواره نقشی سازنده در شکل‌گیری استقرارها و شاخص مهمی برای تحلیل آن‌ها به حساب می‌آید. قرارگیری محوطه‌ها در کنار رودهای دایم و فصلی می‌تواند الگوی سکونت استقراری منطقه را روشن سازد. تحلیل‌های سیستم اطلاعاتی GIS نشان می‌دهد، در فاصله بین ۲۵۰ متری از رودخانه ۱۱ محوطه، در فاصله بین ۵۰۰ متری ۸ محوطه، در فاصله بین ۱۰۰۰ متری ۶ محوطه و ۵ محوطه هم در فاصله بیشتر از ۱۰۰۰ متر از رودخانه قرار دارند (نمودار ۲).

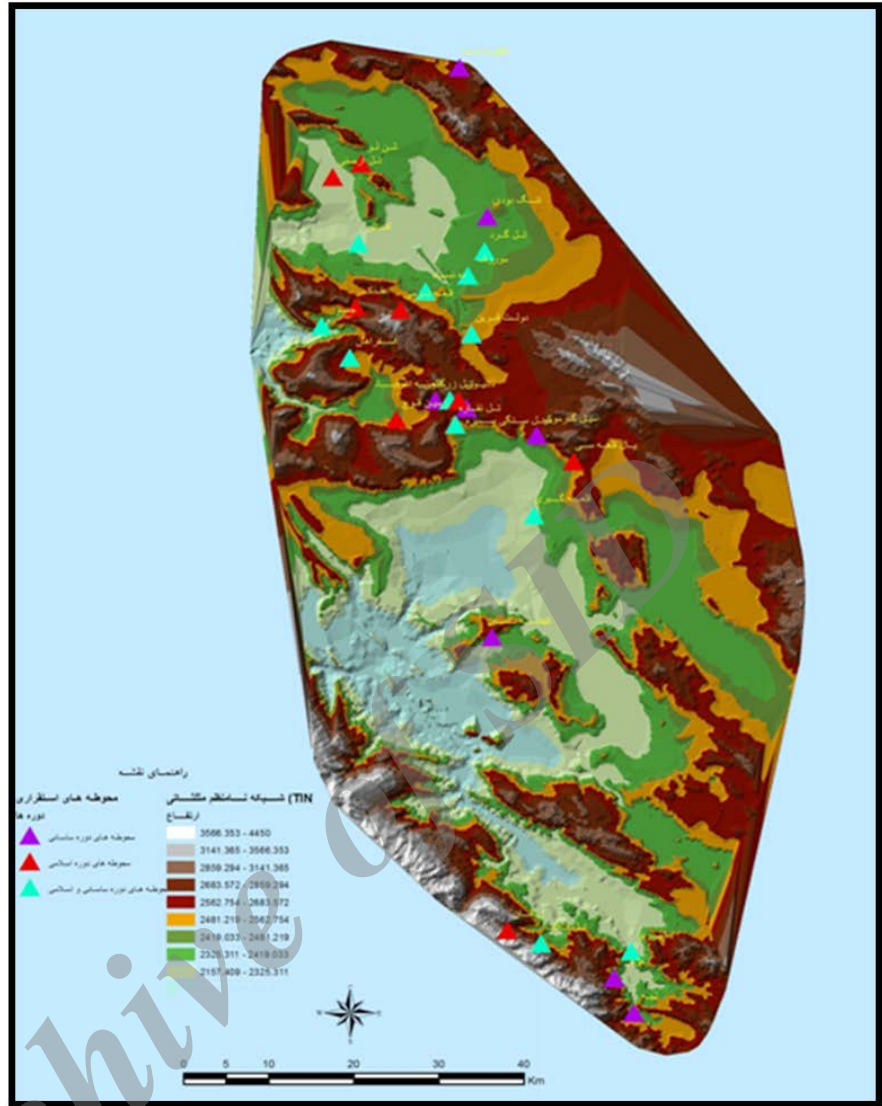
۲- ارتفاع از سطح دریا: این شاخص تحلیل، از ویژگی‌های اقلیمی مهم به‌شمار می‌آید و همواره در شکل‌گیری نوع استقرار نقش به‌سزای داشته است. ارتباط تنگاتنگی میان میزان بارش، نوع و میزان پوشش گیاهی و جانوری با ارتفاع از سطح دریا محوطه‌های استقراری وجود دارد، به‌گونه‌ای در مواقعی شیوه معیشتی با توجه به این شاخص دست‌خوش تغییر می‌گردد.

محوطه‌های شناسایی شده در بازه زمانی مورد مطالعه در کل بین کد ارتفاعی ۲۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر قرار گرفته‌اند. با مطالعه کدهای ارتفاعی محوطه‌های استقراری چنین برداشت می‌شود که، ۱۷ محوطه در بین کد ارتفاعی ۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰ متر که دشتهای میان‌کوهی را دربر می‌گیرد، قرار دارند. ۱۱ محوطه بین کد ارتفاعی ۲۴۰۰ تا ۲۷۰۰ متر و ۲ محوطه بین کد ارتفاعی ۲۷۰۰ تا ۲۹۰۰ متر واقع شده‌اند (نمودار ۳).

۳- کاربری اراضی: در پایگاه تحلیل داده‌ها، جهت کاربری زمین ۷ پارامتر در نظر گرفته شده است. این پارامترها عبارتند از: زمین‌های دامنه‌ای، زمین با پوشش تنک، صخره‌ای، زمین‌های شور، شن و ماسه‌ای، باتلاقی و جنگلی. از این

۷۰ نامی باستانی

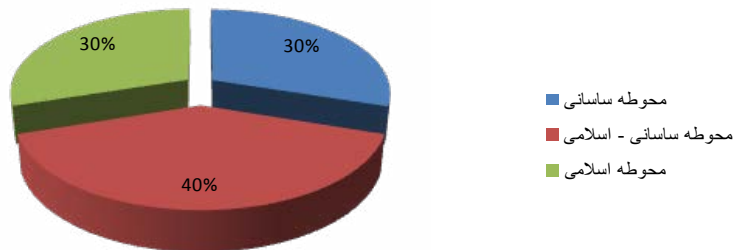
نقشه شماره ۴: توزیع زمانی محوطه‌های استقرار (منتظر ظهوری ۱۳۹۰).



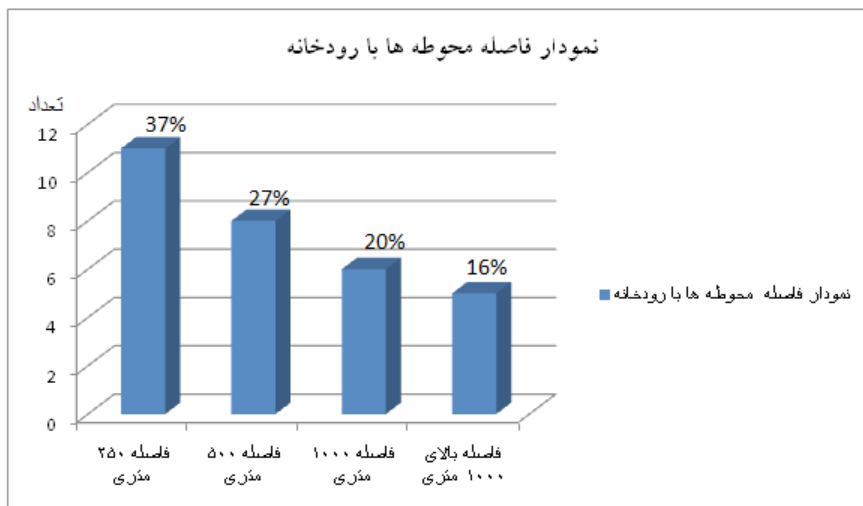
شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

نامی باستانی (۷۱)

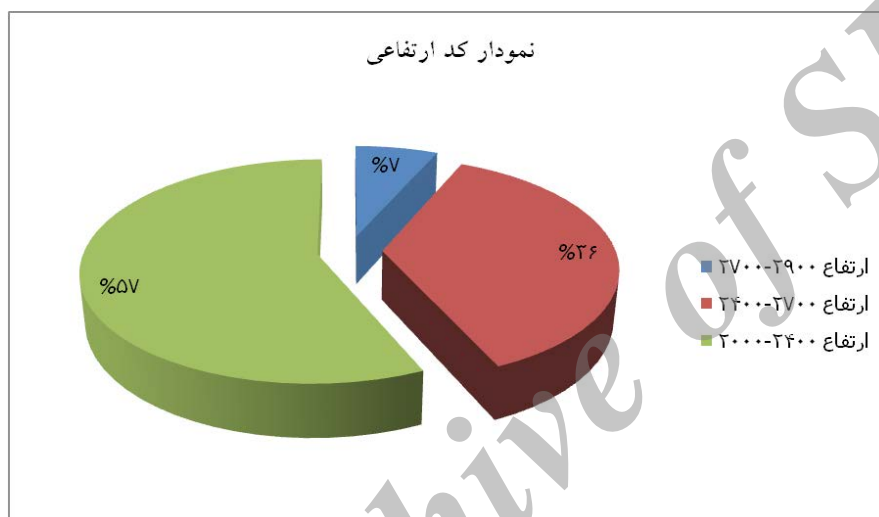
نمودار توزیع زمانی محوطه ها



نمودار ۱: توزیع زمانی محوطه‌های استقرار.



نمودار ۲: فاصله محوطه‌ها با رودخانه.

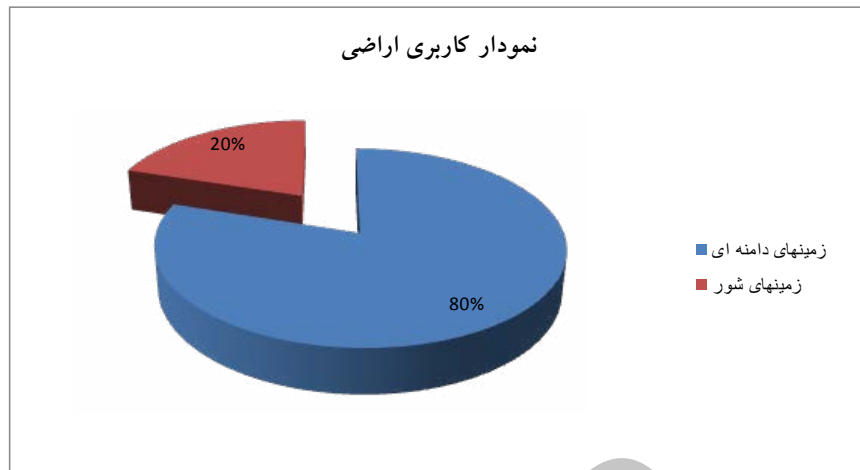


نمودار ۳: پراکندگی محوطه‌ها بر اساس ارتفاع از سطح دریا.

میان بیشترین مساحت را زمین‌های دامنه‌ای به خود اختصاص داده‌اند که از شمال تا جنوب شهرستان را در نوردیده است. با تحلیل‌های صورت گرفته مشخص گردید، ۲۴ محوطه از محوطه‌های مورد مطالعه در این زمین‌های میان کوهی و دامنه‌ای قرار داشته و ۶ محوطه دیگر در زمین‌های شور قرار گرفته‌اند (نمودار ۴).

۴- فاصله محوطه‌ها تا راه‌ها: همواره استقرارها در طول ادوار مختلف در مسیر راه‌های ارتباطی شکل گرفته و راه‌ها نقش عمده‌ای در ارتباط محوطه‌های استقرار داشته‌اند. متون تاریخی بازگو می‌کند که در دوران اسلامی و به احتمال زیاد در دوران تاریخی بین شهرستان سمیرم و شهرهای هم‌جوار مانند اصفهان (ابن خردادبیه، ۱۳۷۰: ۴۳) و فارس (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۸: ۱۰۶) و بهبهان (شواتس، ۱۳۷۲: ۲۵۴)، راه‌های وجود داشته که امروزه روی نقشه نمی‌توان به‌طور قطعی مشخص کرد. با توجه به مطالعه راه‌ها و مسیرهای شهرستان سمیرم در بررسی‌های میدانی و متون، معلوم شد که راه‌ها نیز نقش مهمی در تعیین الگوی استقرار محوطه‌ها به عهده دارند. راه‌های ارتباطی شهرستان سمیرم از شمال شهرستان تا جنوب دیده می‌شوند که اکثر استقرارها در مجاورت این راه‌ها شکل گرفته‌اند. با مشخص شدن جایگاه محوطه‌ها نسبت به مسیر راه‌ها معلوم گردید، حدود ۱۰ محوطه از

► **نمودار ۴:** پراکندگی محوطه‌ها
بر اساس کاربری اراضی.

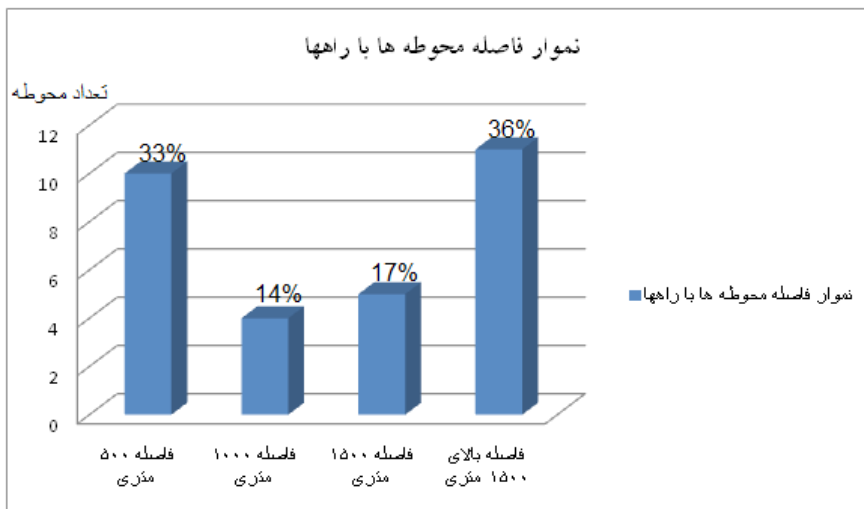


محوطه‌های مورد مطالعه در فاصله بین ۵۰۰ متری راه‌ها، ۴ محوطه در فاصله بین ۱۰۰۰ متری راه‌ها، ۵ محوطه در فاصله بین ۱۵۰۰ متری راه‌ها و ۱۱ محوطه در فاصله بیش از ۱۵۰۰ متر از مسیر راه‌ها قرار گرفته‌اند (نمودار ۵).

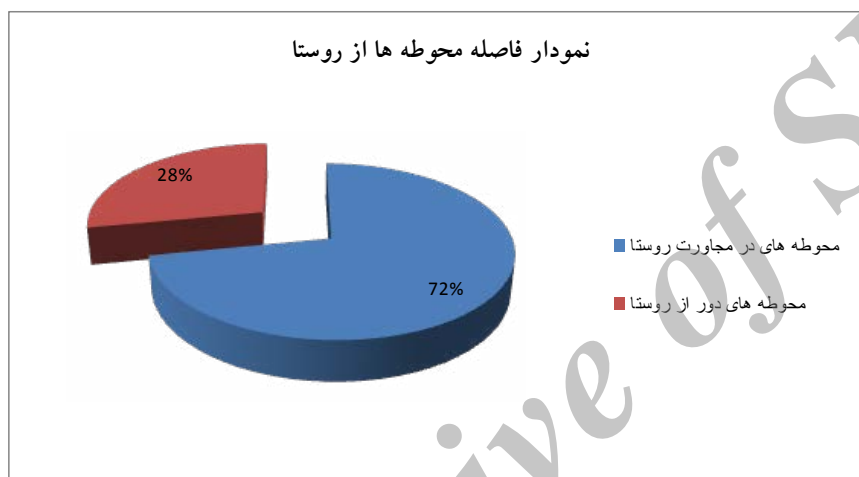
۵- موقعیت محوطه‌ها نسبت به روستاها: روستاها و دهکده‌ها در موارد زیادی در کنار بافت‌های کهن و محوطه‌های باستانی شکل می‌گیرند که به‌گونه‌ای تداوم استقرار در یک پهنه فرهنگی را نشان می‌دهند. دل‌بستگی انسان‌ها به جایگاه اجدادیشان باعث می‌شود، استقرارهای جدید خود را در کنار یا روی استقرارهای پیشینیان خود بر پا کند. با توجه به این پیوند فرهنگی در زمینه استقرارها می‌توان در یک تحلیل آماری متوجه این وابستگی استقرارها شد. با تحلیل‌های صورت گرفته بر روی استقرارها و موقعیت قرارگیری آن‌ها نسبت به روستاهای امروزی مشخص شد، به جزء ۶ محوطه که در مجاورت تنگاتنگ روستاها قرار نداشتند بقیه محوطه‌ها یعنی ۲۴ محوطه دیگر در مجاورت روستاها شکل گرفته‌اند (نمودار ۶).

۶- موقعیت محوطه‌ها نسبت به پوشش گیاهی: پوشش گیاهی منطقه یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار برای انتخاب آن به‌عنوان محیط‌زیست و برپایی استقرارها بوده و هست. همواره مناطق با مستعد بودن از لحاظ پوشش گیاهی به‌عنوان محل استقرارگاه‌ها انتخاب شده‌اند و هر زمان با اضمحلال پوشش گیاهی و چراگاه‌ها روبرو شده دچار فروپاشی استقرارها می‌شده است که این عامل در دوران پیش از تاریخ پررنگ‌تر به‌نظر می‌رسد. شهرستان سمیرم به‌لحاظ پوشش گیاهی منطقه مستعدی برای اقوام کوچ‌نشین و چرای دام‌های آن‌ها بوده است. پارامترهای مشخص شده در پایگاه داده‌ها در این منطقه فرهنگی عبارتند از: زراعات دیم، جنگل نیمه انبوه، جنگل تنک، زراعات آبی و باغات، سطوح آبی، مراتع متراکم، مراتع نیمه متراکم، مراتع کم متراکم و زمین‌های شهری. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد از تعداد ۳۰ محوطه مورد مطالعه در بازه زمانی مورد نظر ۹ محوطه در مراتع کم متراکم، ۸ محوطه در مراتع نیمه متراکم، ۵ محوطه در زراعات آبی و باغات، ۴ محوطه در زمین‌های زراعات دیم، ۳ محوطه در جنگل‌های تنک و ۱ محوطه در مراتع متراکم قرار گرفته است (نمودار ۷).

۷- وسعت محوطه‌ها: یکی دیگر از شاخصه‌های مهم در تحلیل استقرارها ارزیابی میزان وسعت محوطه‌هاست. این شاخصه به تقریب نشان دهنده اهمیت



نمودار ۵: پراکندگی محوطه‌ها بر اساس فاصله از راه‌ها. ◀



نمودار ۶: پراکندگی محوطه‌ها بر اساس فاصله از روستا. ◀

۷۴ نامی باستانی

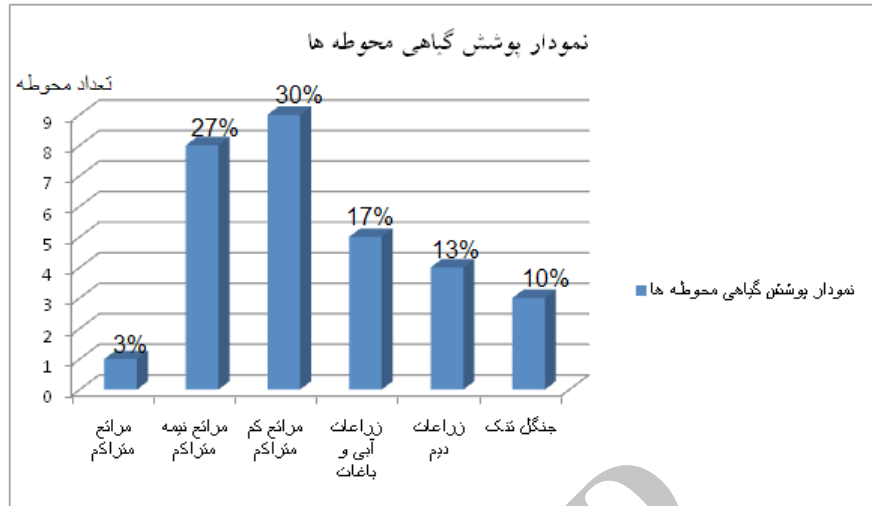
شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

محوطه‌ها و میزان جمعیت منطقه در زمان‌های مختلف است. سنجش میزان وسعت محوطه‌ها را می‌توان به‌عنوان فاکتوری برای تحلیل روابط درون و برون استقراری که در کنار آن می‌توان به‌شناختی از نحوه ارتباط محوطه‌ها با یک‌دیگر همانند ویژگی مکان مرکزی و شناخت رده- اندازه استقرارها دست یافت، در نظر گرفت. وسعت محوطه‌های شناسایی شده در بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان سمیرم در سه گروه قابل بررسی است. از ۳۰ محوطه شناسایی شده ۱۰ محوطه دارای وسعت تا ۱۰۰۰ متر مربع، ۱۵ محوطه وسعت بین ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر مربع و ۵ محوطه وسعتی بالای ۵۰۰۰ متر مربع دارند. آمار وسعت محوطه‌ها موید این مطلب است که ۲۵ محوطه مورد مطالعه وسعتی کمتر از ۵۰۰۰ متر مربع داشته و هم‌چنین از لحاظ آثار فرهنگی و داده‌های سطحی مانند معماری دارای غنای زیادی نیستند (نمودار ۸).

تحلیل الگوی استقراری در دوره انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی

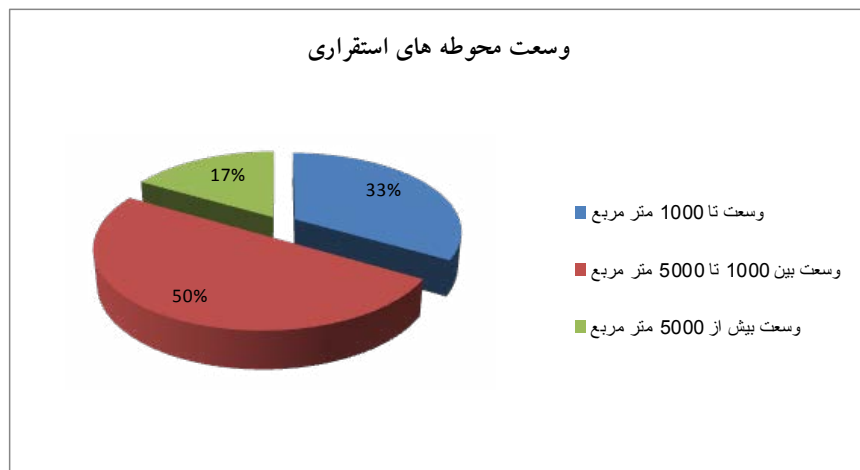
با توجه به افزایش تعداد محوطه‌ها در دوره ساسانی در منطقه مطالعاتی و انتقال از این دوره به دوره اسلامی بنیاد پژوهش روی این حوزه فرهنگی، معطوف به این بازه زمانی گردید. از مسایل مهم در این پژوهش چگونگی الگوی توزیع محوطه‌ها

► **نمودار ۷:** پراکندگی محوطه‌ها بر اساس پوشش گیاهی.



به لحاظ زمانی و مکانی و همچنین بررسی نقش عوامل زیست محیطی و فرهنگی در شکل‌گیری و تغییر و تحولات آن‌ها در دوران گذار از روزگار ساسانیان به قرون نخستین است. نتیجه فرایندهای صورت گرفته و مطالعات آماری داده‌ها که با توجه به نقشه‌ها و نمودارهای مربوطه تهیه شده در سیستم جغرافیایی GIS، جمع‌آوری گردید، گویایی چگونگی فرایند تبیین الگوی استقراری در این بازه مطالعاتی است.

با مکان‌یابی جغرافیایی محوطه‌ها بر روی نقشه‌های GIS معلوم گردید بیشتر محوطه‌های استقراری مورد مطالعه در پهنه شمالی و مرکزی منطقه قرار داشته و تنها ۵ محوطه استقراری در قسمت جنوبی منطقه مورد بررسی قرار دارد. همچنین معلوم گردید، ۳۰٪ از محوطه‌ها به دوره ساسانی و ۳۰٪ به قرون اولیه اسلامی تعلق داشته و ۴۰٪ از محوطه‌ها دارای آثار ساسانی و متعاقباً قرون اولیه اسلامی هستند. با توجه به آمار فوق می‌توان دریافت تعداد محوطه‌ها در دوره ساسانی و سپس قرون نخستین اسلامی دستخوش تغییراتی نشده و در دوره انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی شمار محوطه‌ها از یک پیمون یکسان برخوردارند و شاهد کاهش یا افزایش محوطه‌های استقراری در این دوره انتقالی نیستیم. این مطلب می‌تواند گویایی این امر باشد که منطقه مذکور در مناسبات سیاسی نقش چندانی نداشته و در فرایند گذار از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی دستخوش



► **نمودار ۸:** وسعت محوطه‌های استقراری.

حوادث و تغییرات محسوسی نشده است.

با تهیه نقشه‌های جغرافیایی GIS و پردازش داده‌ها و مطالعات آماری صورت گرفته مشخص گردید، انگاره‌های زیست محیطی و فاکتورهای فرهنگی نقش موثری در شکل‌گیری محوطه‌های استقرار داشته است. با آنالیز محوطه‌ها نسبت به پارامترهای مانند فاصله از رودخانه‌ها، کد ارتفاعی، کاربری اراضی، فاصله از راه‌ها و روستاها، هم‌چنین پوشش گیاهی منطقه و در نهایت وسعت محوطه‌ها مشخص گردید، این پارامترها بر شکل‌گیری محوطه تاثیر موثر داشته است. در مطالعات صورت گرفته نسبت به فاصله محوطه‌ها از رودها مشخص گردید، ۳۷٪ محوطه‌ها در فاصله بین ۲۵۰ متری از رودخانه‌ها، ۲۷٪ محوطه‌ها در فاصله بین ۵۰۰ متری از رودخانه‌ها، ۲۰٪ محوطه‌ها در فاصله بین ۱۰۰۰ متری رودها و ۱۶٪ محوطه‌ها هم در فاصله بیشتر از ۱۰۰۰ متر از رودخانه‌ها قرار داشتند. می‌توان چنین استنباط کرد که بیشتر محوطه‌ها در فاصله زیر ۱۰۰۰ متر از رودها قرار داشته‌اند. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته مشخص شد، سهم عمده‌ای از محوطه‌ها در کنار رودهای فصلی بوده که به‌گونه‌ای نشان از استقرار موقت آن‌ها دارد و در بازه زمانی مطالعاتی تغییرات آماری محسوسی در فاصله آن‌ها از رودها دیده نمی‌شود. هم‌چنین می‌توان گفت الگوی معیشتی دامداری و کشاورزی در منطقه و نیاز مبرم آن‌ها به منابع آبی نحوه استقرار آن‌ها نسبت به رودخانه‌ها را مدیریت می‌کرده است.

با مطالعه کدهای ارتفاعی محوطه‌های استقراری چنین برداشت می‌شود که، ۵۷٪ محوطه‌ها در بین کد ارتفاعی ۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰ متر که دشت‌های میان‌کوهی را دربرمی‌گیرد، قرار دارند. ۳۶٪ محوطه‌ها بین کد ارتفاعی ۲۴۰۰ تا ۲۷۰۰ متر و ۷٪ محوطه‌ها بین کد ارتفاعی ۲۷۰۰ تا ۲۹۰۰ متر واقع شده‌اند. با توجه به آمار کد ارتفاعی محوطه‌ها می‌توان دریافت که اکثریت محوطه‌ها در کدهای ارتفاعی پایین نسبت به ارتفاعات منطقه قرار داشته و در دشت‌ها شکل گرفته‌اند که در دوره ساسانی و متعاقباً قرون اولیه اسلامی از یک الگوی استقراری سودجسته‌اند. ارتفاعات پایین می‌توانسته هم از لحاظ دسترسی به منابع آبی و هم چراگاهی برای احشام، زیست‌بوم بهتری بوده باشد که با نیازهای کوچ‌نشینان سازگاری مناسب‌تری داشته است.

در مبحث کاربری اراضی از ۷ پارامتر کاربری اراضی تنها محوطه‌ها در دو پارامتر قرار داشتند. ۸۰٪ محوطه‌ها از محوطه‌های مورد مطالعه در زمین‌های میان‌کوهی و دامنه‌ای قرار داشته و ۲۰٪ محوطه‌های دیگر در زمین‌های با خاک شور قرار گرفته‌اند. این آمار نشان می‌دهد در دوره ساسانیان و متعاقباً قرون نخستین اسلامی بیشتر توجه ساکنین معطوف به زمین‌های میان‌کوهی به جهت زراعت و چرای دام‌هایشان بوده است که گواهی بر اقتصاد معیشتی کشاورزی و دامداری ساکنین در فصول مختلف سال است.

با مشخص شدن جایگاه محوطه‌ها نسبت به مسیر راه‌ها معلوم گردید، حدود ۳۳٪ محوطه‌ها از محوطه‌های مورد مطالعه در فاصله بین ۵۰۰ متری راه‌ها، ۱۴٪ محوطه‌ها در فاصله بین ۱۰۰۰ متری راه‌ها، ۱۷٪ محوطه‌ها در فاصله بین ۱۵۰۰ متری راه‌ها و ۳۶٪ محوطه‌ها در فاصله بیش از ۱۵۰۰ متر از مسیر راه‌ها قرار گرفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت ۶۴٪ از محوطه‌ها در فاصله زیر ۱۰۰۰ متر از جاده‌ها قرار داشته است. با توجه به الگوی قرارگیری محوطه‌ها در مسیر راه‌ها

می‌توان دریافت که مسیرهای امروزی تا حدود زیادی در امتداد ماهیت مسیرهای دوران تاریخی و اسلامی قرار داشته و هویت خود را به‌عنوان یک عامل ارتباطی تا روزگار معاصر حفظ کرده‌اند. هم‌چنین می‌توان اذعان داشت که نوع پراکنش محوطه‌های دوره ساسانی نسبت به راه‌ها با نوع پراکنش محوطه‌ها در دوران قرون اولیه اسلامی تغییرات محسوسی پیدا نکرده است.

در بحث و تحلیل فاصله محوطه‌ها از روستاها مشخص شد، به‌غیر از ۲۸٪ محوطه‌ها که در مجاورت تنگاتنگ روستاها قرار نداشتند، بقیه محوطه‌ها یعنی ۷۲٪ محوطه دیگر در مجاورت روستاها شکل گرفته‌اند. این آمار می‌تواند بیان‌گر این الگو باشد که در منطقه مطالعاتی، استقرارهای امروزی بیشتر در مجاورت استقرارهای کهن‌تر شکل گرفته است و به‌عبارتی الگوی استقراری روستاهای امروز مشابه الگوی روزگار ساسانیان و دوره‌های بعدی است. این الگو، به‌گونه‌ای نشان از دل‌بستگی‌های فرهنگی مردمان منطقه به پیشینانسان است.

در مبحث پوشش گیاهی تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد، از تعداد ۳۰ محوطه مورد مطالعه در بازه زمانی مورد نظر ۳۰٪ محوطه‌ها در مراتع کم تراکم، ۲۷٪ محوطه‌ها در مراتع نیمه تراکم، ۱۷٪ محوطه‌ها در زراعات آبی و باغات، ۱۳٪ محوطه‌ها در زمین‌های زراعات دیم، ۱۰٪ محوطه‌ها در جنگل‌های تنک و ۳٪ محوطه در مراتع تراکم قرار گرفته است. پوشش گیاهی متنوع منطقه باعث شده استقرارها در زیست‌بوم‌های جغرافیایی گوناگون شکل گیرند. در مجموع پوشش گیاهی منطقه در طول دوران تاریخی و قرون اولیه اسلامی نقش مهمی در ساماندهی استقرارها داشته و هم‌واره محیطی مستعد برای زراعت و دام‌داری به خصوصی برای قبایل کوچ‌رو منطقه فراهم آورده است و تداوم استقرارها از دوره ساسانی تا قرون اولیه به‌گونه‌ای وابسته به این فاکتور مهم بوده است. نحوه توزیع محوطه‌ها بر اساس عامل پوشش گیاهی در دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی تفاوت محسوسی نداشته و پراکنش یکسانی دارند.

وسعت محوطه‌ها نیز یکی از فاکتورهای مهم برای تعیین الگوی استقراری محوطه‌ها است. در بررسی‌های انجام شده معلوم گردید، ۳۳٪ از محوطه‌ها وسعت تا ۱۰۰۰ مترمربع، ۵۰٪ محوطه‌ها وسعت ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ مترمربع و ۱۷٪ محوطه‌ها وسعت ۵۰۰۰ مترمربع به بالا داشتند. با توجه به وسعت کم و فقر نسبی داده‌های فرهنگی محوطه‌ها، این آمار می‌تواند، نشان از استقرارهای موقت یا به‌عبارتی اردوگاه قبایل کوچ‌نشین باشد، به‌گونه‌ای که ردپای این نوع استقرارهای موقت را در میان قبایل قشقایی منطقه تا به امروز می‌توان پیگیری کرد. میزان وسعت محوطه‌ها در دوره ساسانی نسبت به قرون نخستین اسلامی تفاوت چشم‌گیری نداشته و دارای یک الگوی یکسان هستند. برای تخمین جمعیت این استقرارها نیاز مبرم به کاوش محوطه‌ها است تا در کنار آگاهی یافتن از فعالیت‌های درون استقراری، به‌توان به ارتباط برون استقراری در منطقه نیز پی‌برد.

نتیجه‌گیری

توزیع محوطه‌ها در دوره ساسانی و انتقال آن به قرون نخستین اسلامی با توجه به نقشه‌های جغرافیایی GIS گویای این مطلب است که بیشتر محوطه‌ها در پهنه شمالی و مرکزی شهرستان سمیرم قرار داشته که از تراکم یکسانی در این قسمت منطقه برخوردار است. شمار محوطه‌ها در دوره ساسانی و پس از انتقال به قرون اولیه اسلامی تعدادشان برابر بوده و شاهد تغییر در کمیت و تعداد محوطه‌ها

نیستیم. همچنین وسعت محوطه‌ها گویایی این مطلب است که، محوطه‌ها از لحاظ کیفیت نیز دست‌خوش تغییرات زیادی نمی‌شوند و متغیرهای کیفی نیز از شاخص‌های یکسانی برخوردارند. وسعت نسبتاً کم محوطه‌ها و کمبود، ضعف و فقدان بعضی داده‌های سطحی آن‌ها مانند معماری، می‌تواند بازگو کننده این فرض باشد که بیشتر محوطه‌ها، محوطه‌های استقرار موقت و فصلی بوده که احتمالاً مربوط به قبایل کوچ‌رو در این منطقه بیلاقی در دوره ساسانی و دوره انتقال آن به قرون نخستین اسلامی بوده است، هر چند افزایش محوطه‌های استقرار و بعضی آثار مهم مانند کتیبه‌های پهلوی و اسلامی در این دوران از اهمیت بیشتر این منطقه نسبت به دوره‌های قبل خبر می‌دهد.

فاکتورهای زیست‌محیطی و فرهنگی در شکل‌گیری محوطه‌های مورد مطالعه، نقش موثر و جهت‌بخشی داشتند که الگوهای پراکنش محوطه‌ها بر اساس این فاکتورها این نقش موثر در شکل‌گیری استقرارها را روشن ساخت. منابع آبی مانند: رودها، راه‌ها، کدهای ارتفاعی، کاربری اراضی، پوشش گیاهی و روستاها فاکتورهای بودند که آنالیز محوطه‌ها بر اساس آن‌ها صورت گرفت و تاثیر موثر این عوامل را در شکل‌گیری استقرارها برای پاسخ به سوالات این پژوهش مشخص و محرز ساخت. این تحلیل‌ها حاکی از آن بودند که شاخص‌های زیست‌محیطی و فرهنگی موثر بر مکان‌گزینی استقرارها در دوران ساسانی و متعاقباً قرون اولیه اسلامی دارای نقشی یکسان بوده و دست‌خوش تغییر و تحولات شگرفی نشده است.

در کل با توجه به شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی می‌توان اذعان داشت، شهرستان سمیرم در دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی از جایگاه برتری نسبت به دوران قبل از آن برخوردار بوده است، و همچنین تجزیه و تحلیل‌های آماری صورت گرفته توسط سیستم اطلاعات جغرافیایی بر روی داده‌های فرهنگی آشکار ساخت، این منطقه فرهنگی با تغییر و تحولات اندکی در استقرارها، فرایند گذار از روزگار ساسانیان به قرون نخستین اسلامی را پشت سر نهاده است.

منابع

۱. **ابن رسته**، ۱۳۶۵، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه: حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲. **ابن حوقل**، ۱۳۴۵، *صوره الارض*، ترجمه: جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۳. **ابن خردادبه**، ۱۳۷۰، *المسالک و الممالک*، ترجمه: حسین قره‌چانلو، از روی متن تصحیح شده دخویه، تهران: چاپ مهارت.
۴. **ابن بلخی**، ۱۳۷۴، *فارس‌نامه*، بر اساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
۵. **ابرو، حافظ**، ۱۳۷۸، *جغرافیایی حافظ ابرو*، مقدمه و تصحیح صادق سجادی، تهران: بنیان دفتر نشر میراث مکتوب، جلد دوم.
۶. **ابوالفداء**، ۱۳۴۹، *تقویم البلدان*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۷. **اصطخری، ابواسحاق ابراهیم**، ۱۳۷۳، *ممالک و مسالک*، ترجمه: محمدبن‌اسعدبن‌عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی.

۸. **بیات، عزیزالله**، ۱۳۸۳، کلیات جغرافیایی طبیعی و تاریخی ایران، تهران: امیر کبیر.
۹. **تفضلی، احمد**، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
۱۰. **ترومپلمن، لئو**، ۱۳۷۲، «قبور و آیین تدفین در دوره ساسانی»، ترجمه: مولود شادکام، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هشتم، شماره اول، ص ۲۹-۳۷.
۱۱. **جیهانی، ابوالقاسم بن محمد**، ۱۳۶۸، اشکال العالم، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، شرکت به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. **جناب، میرسیدعلی، شاردن، ژان**، ۱۳۷۶، الاصفهان، به کوشش محمدرضا ریاضی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۳. **جاوری، محسن**، ۱۳۷۸، گزارش بررسی شهرستان سمیرم، اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان، معاونت پژوهشی.
۱۴. **جاوری، محسن**، ۱۳۸۳، گزارش بررسی پناهگاه زیرزمینی تپه‌هژدر در سمیرم، اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان، معاونت پژوهشی.
۱۵. **جاوری، محسن و منتظرظهوری، مجید**، ۱۳۹۱، پناهگاه زیرزمینی تپه‌هژدر سمیرم، اولین همایش معماری دست‌کند، تهران: (زیرچاپ).
۱۶. **جعفری، عباس**، ۱۳۷۹، گیتاشناسی ایران (دایره‌المعارف جغرافیایی ایران)، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۱۷. **حسینی فسایی، حاج میرزا حسن**، ۱۳۷۸، فارس‌نامه ناصری، تصحیح و تحشیه: دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۸. **شفقی، سیروس**، ۱۳۵۳، جغرافیای اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۹. **شواتس، پاول**، ۱۳۷۲، جغرافیایی تاریخی فارس، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. **فرجی، عبدالرضا و دیگران**، ۱۳۶۶، جغرافیایی کامل ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
۲۱. **فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور**، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹، تهران: سازمان جغرافیای نیروی مسلح، جلد دوم.
۲۲. **قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود**، ۱۳۷۳، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه: جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل میر هاشم محدث، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۳. **قاسمی، امرالله**، ۱۳۸۶، شکوفه‌های سیب (شهرستان سمیرم)، نشر حامدون، چاپ محمد.
۲۴. **لسترنج، گای**، ۱۳۳۷، جغرافیایی تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. **مقدسی، احمد**، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۲۶. **مستوفی، حمدالله**، ۱۳۶۲، نزه القلوب، تهران: دنیای کتاب.
۲۷. **الاصفهان‌ی، محمد مهدی بن محمدرضا**، ۱۳۴۰، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: چاپخانه موسوی.

۲۸. مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۴۳، اقلیم فارس، تهران: انجمن آثار ملی.
۲۹. منتظرظهوری، مجید، ۱۳۹۰، «تحلیل الگوهای استقراری شهرستان سمیرم در دوران انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳۰. ناشناخته، ۱۳۷۲، حدود العلم، مقدمه بارتولد، تعلیقات مینورسکی، دانشگاه الزهراء، بخش معاونت پژوهش.
۳۱. نیساری، سیروس، ۱۳۵۰، جغرافیای ایران، تهران.
۳۲. نرهای، بابر، ۱۳۸۶، گزارش بررسی باستان شناسی شهرستان سمیرم، اصفهان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی.
۳۳. نصرالله زاده، سیروس، جاوری محسن، ۱۳۸۱، مزار نوشته‌هایی نویافته به پهلوی ساسانی از چشمه ناز سمیرم، نامه ایران باستان، مجله بین المللی مطالعات ایرانی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، سال دوم، شماره دوم.
34. Gropp, G., 1970, "Bericht über eine Reise in West-und Sudiran", AMI 3: 173-208.

Archive of SID

Analysis of the Settlement Pattern of Semirom in its Transition from Sasanian to Early Islamic Era

Hasan Karimian

Assistant Professor in Tehran University
Hkarimian@ut.ac.ir

Mohsen Javeri

Assistant Professor in Kashan University

Mehdi Mntazer Zohor

Ph.D Student, Department of Archaeology, Tehran University

Abstract

The county of Semirom, with an approximate area of 5224 square kilometres, is located in Zagros mountain foothills in the south of Esfahan province, and as a result, has benefited from adequate annual precipitation; hence make abundant water resources and suitable plant variety. Such factors have made it fairly suitable for human settlement throughout the history. In archaeological investigations of Semirom, a total of 49 archaeological sites from prehistoric to Islamic era have been identified. Amongst these, 30 are known to belong to Sasanian era and early Islamic centuries, which is an indicator of the considerable growth, thrive and flourish of settlement compared to previous eras. In order to assess the changes in settlements during the transition from the Sasanian to the Islamic era, various parameters were defined all of the recorded data were analysed. These variable parameters included: (1) distance from permanent rivers, (2) distance from ancient communication networks, (3) distance from existing villages, (4) functionality of the lands, (5) plant coverage and other parameters that had influenced the establishment of settlements in this region. Geographical and spatial distribution of the discovered sites (based on GIS system) clarified that most of residential areas have been monotonously located in the northern and central parts of the county. Analysis of the data collected from fieldwork also showed that the discovered sites from the Sasanian and the Islamic period have not undergone considerable qualitative and quantitative changes; and the socio-political changes of Iran have not much influenced the life of Semirom residents.

Keywords:

Sasanian, Early Islamic, Transition, Semirom, Settlement Pattern.